



# بررسی رویکردهای انسجام مضمونی آیات و سوره‌های قرآن

قرآن  
حدیث

ایوب اکرمی

عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

## چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۳/۲۵

بیشتر مفسران و دانشمندان علوم قرآنی، مسئله پیوستگی و انسجام مضمونی قرآن را با ابزارها و الگوهایی مانند: ایده نظم، تناسب، غرض سوره، سیاق و ترتیب آیات، وجوه و نظائر، کلیدهای همبستگی و وحدت سوره‌ها و... دنبال کرده و تحلیل نموده‌اند و برخی از آنان مانند سید قطب، سعید حوی، اصلاحی و فراهی، مسئله مزبور را در کانون نظریه تفسیری خود قرار داده و از آن دفاع کرده‌اند. مسئله اصلی این نوشتار آن است که ضمن معرفی رویکردهای مزبور و در حد امکان بررسی و نقد آن‌ها، نشان دهد که هر یک از آن‌ها تا چه میزان و با چه اسلوبی توانسته‌اند انسجام مضمونی قرآن را اثبات کنند. به نظر نویسنده گرچه برخی نظریه‌های انسجام مضمونی از نوعی ابهام، ناسازگاری و عدم شمول رنج می‌برند و نیازمند احتیاط و نقد فزون‌تری می‌باشند، لیکن اولاً ضرورت عصری در مواجهه با شبهات مستشرقان اهمیت رهیافت مزبور را نشان می‌دهد و ثانیاً نظریه‌های انسجام مضمونی با وجود میانی متفاوت و اختلاف رویه‌ای که دارند، معارض با هم نبوده، به‌رغم وجوه افتراق، حاکی از حد نصابی از سازگاری درونی معانی قرآن و انسجام مضمونی آن می‌باشند و از این رو می‌توانند به عنوان رهیافتی برای فهم بهتر قرآن به کار گرفته شوند.

**کلیدواژه‌ها:** انسجام مضمونی، نظم، تناسب، سیاق، کلیدهای همبستگی، وحدت سوره‌ها، مستشرقان.

## درآمد

گذشته مورد اعتنا نبوده است. روش معمول و غالب در تفسیر قرآن، معناشناسی آیه به آیه، ترتیبی و به صورت مجزای از یکدیگر و عموماً با ملاحظه نکات ادبی و

مسئله پیوستگی و انسجام مضمونی آیات و سوره‌های قرآن به صورتی که مفسران معاصر به آن نگاه می‌کنند، در

زبان‌شناختی و یا اسباب نزول بوده است. گرچه مفسران قرآن، چه در گذشته و چه حال تصریح نمی‌کنند که قرآن فاقد وحدت مضمونی است، لیکن با تأمل و واریسی شیوه آنان به دست می‌آید که از نظر برخی از آنان، قرآن به لحاظ مضمونی ترتیب، وحدت و نظم روشنی ندارد یا لااقل در غرض و مقصود تفسیر، پیوستگی آیات و سوره‌ها، اهمیت و نقش چندانی ندارد و به جای آن جزئیات ادبی و نحوی و دانش معانی بیان، فصاحت و اعجاز بیانی و ساختار صوری قرآن اصالت دارند و نیز بررسی‌های تاریخی، سنت نبوی و اسباب النزول با غرض تفسیر پیوند بیشتری دارد و در نتیجه انسجام و وحدت محتوایی آیات و سوره‌ها در فهم روابط و گستره معنایی قرآن هم‌چنان در حاشیه مانده است.

در دوران معاصر به تدریج نظریه‌هایی ظهور یافتند که وجه مشترک آن‌ها توجه ارتباط و پیوستگی مضمونی قرآن در سطحی فراگیر است. گرچه این رویکرد، روشی کاملاً بدیع نبوده و لایه‌های رقیق‌تر آن از گذشته در آثار تفسیری و علوم قرآنی به چشم می‌خورد، اما به هر حال این نوع نگاه به قرآن در غرض

تفسیر، سنت رایج تفسیری نبوده است، بلکه در سده اخیر به تدریج سامان یافته و به صورت جدی به عنوان شیوه‌ای مستقل، مورد نیاز و البته به گونه‌های مختلف، جای خود را در فهم قرآن باز یافته است.

جست‌وجو برای یافتن زمینه‌های مناسب و عللی که در سامان‌یابی رهیافت مزبور مؤثر بوده است و تحلیل آن‌ها می‌تواند تا حدود بسیاری ما را به درجه واقع‌نمایی و میزان کارآمدی این رهیافت راهنمایی کند. به نظر می‌آید علل و زمینه‌های زیر در تکوین رویکرد یاد شده دخالت داشته‌اند:

۱- رهیافت انسجام مضمونی قرآن از ترتیب موجود قرآن دفاع می‌کند و همین ترتیب را معنی‌دار دانسته، لااقل توقیفی بودن آیات سوره‌ها را تصدیق و تأیید می‌نماید و فرمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به قرار دادن برخی آیات در جایی خاص از یک سوره را در همین راستا ارزیابی می‌کند؛ به‌خصوص که مواردی از این دست مفهوم سیاق را نیز توسعه می‌دهد.<sup>۱</sup>

۱. بنگرید به: سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۲۱۱؛ ضیاطی، المیزان، ج ۶، ص ۷۰ به بعد.

۲- روش مزبور واکنشی طبیعی به رویکرد سنتی و ضعف‌های آن است که بیشتر به شکل و قالب می‌پردازد و کمتر از معانی وسیع‌تر سوره‌ها و آیات و هدف‌های کلان آن‌ها یاد می‌کند؛ به‌ویژه آن که در دوران معاصر مسائل ناشناخته و نوظهور بسیاری چه در قالب‌های علمی و چه فلسفی یا روش‌ها و جریان‌های معرفتی، خود را به نظام‌های دینی و سنتی عرضه کرده، مطالبه پاسخ می‌نمایند. از این جهت نیز رویکرد مزبور قابل دفاع است.

۳- نظریه نظم محتوایی قرآن در همه سطوح آن، با روش تفسیر قرآن به قرآن که سبکی متقن و مورد عنایت خود قرآن است قرابت دارد و از جهتی مرحله عالی‌تر آن محسوب می‌شود. این که خود قرآن به کشف معانی و اغراض خود مدد می‌رساند، نقطه کانونی در روش تفسیری مزبور است که در سطحی کامل‌تر به پیوستگی معنایی سوره‌ها و آیات قرآن تعبیر می‌شود.

۴- این دیدگاه مواجهه‌ای است

روش‌مندان به نسبت به انتقادهای مستشرقان که قرآن را کتابی تکراری، متناقض و وحی درهم می‌پندارند. باید اذعان داشت که اطلاع و اشراف نسبی مستشرقان به روش دانشمندان مسلمان در تفسیر قرآن که ناظر به انسجام آیات و سوره‌ها نبوده، انگیزه بیشتری در غریبان پدید آورده تا آنان بر نفی ارتباط موضوعی میان آیات و سوره‌ها و آشفتگی آن‌ها اصرار بورزند؛ از جمله رژی بلاشر متن قرآن را نثری خشک با اصطلاحاتی مرسوم همراه با تکرار قصه‌ها و عبارات‌ها و نبودن ارتباط موضوعی میان آیات معرفی می‌کند.<sup>۳</sup>

نقطه مشترک نظریه‌های انسجام مضمونی قرآن آن است که باید خود قرآن منبع اصلی و جایگزین ناپذیر در تعیین معانی و مقاصد قرآن باشد و این از یک سو به معنای آن است که نقش منابع بیرون قرآن در کشف معانی قرآن باید به حداقل کاهش یابد (به خصوص

۲. رامیار، تاریخ قرآن، ص ۶۱۹-۶۲۴؛ زمانی، مستشرقان و قرآن، ص ۳۱۶؛ معرفت، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، ص ۴۲۰.  
۳. در آستانه قرآن، ص ۳۰۱.

۱. خوئی، البیان، ص ۳۱؛ المیزان، ج ۱، ص ۲۷.

آن که در مواردی استناد بی‌قاعده به منابع بیرون از قرآن سبب تنوع و نابسامانی گنج‌کننده و حتی تناقض معانی آیات می‌گردد) و خود قرآن به عنوان منبع اصلی اهمیت فزون‌تر و جایگاه حساس خود را بازیابد. از این‌رو اهمیت متن قرآن در غرض تفسیر در این رویکرد که قرآن را در یک شبکه معنایی و پیوستگی درونی می‌داند پیش‌فرض مواجهه با مستشرقان و اثبات انسجام مضمونی قرآن است.

#### ۱- انسجام مضمونی با ایده نظم

برخی از مفسران قرآن با ایده و عنوان نظم، آن هم به مثابه پدیده‌ای که به اعجاز قرآن پیوند می‌خورد، نظریه نظم معنایی را تعقیب نموده‌اند، ولی با این که بحث از مسئله نظم قرآن از اواخر قرن دوم هجری آغاز شد و آثار تفسیری موجود از قرن چهارم به بعد از جمله *مفاتیح الغیب* فخر رازی (م ۶۰۶هـ) از آن بهره گرفته‌اند، هم‌چنان مسئله نظم در حاشیه و امری ضمنی و فرعی تلقی می‌شده است.

مطالعه آثار شارحانی که از ماده نظم در نظریه خود استفاده کرده‌اند نشان

می‌دهد که آنان به دو معنی از اصطلاح نظم اشاره کرده‌اند. لذا می‌توان مدافعان ایده نظم را به دو گروه اصلی تقسیم نمود.

**الف.** دسته نخست نظم را به مفهوم ارتباط وثیق میان کلمات و معانی آن‌ها تفسیر کرده‌اند. از نظر آنان اجزای تشکیل‌دهنده معنی (بلاغت) که در کلمات و جمله‌ها (فصاحت) تعبیه شده‌اند موجب معنی انتظام‌یافته‌اند. آنان برای این منظور رابطه نظم میان اجزای یک آیه یا چند آیه با یکدیگر را عرضه نموده‌اند. ابوبکر محمد بن طیب باقلانی (م ۴۰۲ق) و عبدالقادر جرجانی (م ۴۷۱ق) و ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری از آن جمله‌اند؛ به‌خصوص زمخشری دقیق‌تر از دیگران ایده نظم را در مواضع متعددی مانند تشبیه، مجاز و کنایه توضیح داده است.<sup>۱</sup> گرچه این تلقی از نظم با انسجام مضمونی سوره‌ها و آیات یک سوره یکی نیست، لیکن اتخاذ چنین روشی درباره قرآن به معنای امکان توسعه ایده نظم به کل قرآن و واحدهای

۱. *الاتقان*، ج ۲، ص ۱۵۲؛ بنگرید به: زمخشری، *کشاف*، ج ۱، ص ۳۱۸.

وسیع تر آن می‌باشد و بدین ترتیب مسئله نظم قرآن به نظریه‌های وحدت مضمونی قرآن نزدیک‌تر شده، راه را برای نظریه‌های انتظام مضمونی کامل‌تر باز می‌کند.

ب. گروه دوم، نظم را به معنای ارتباط طولی میان آیات و سوره‌ها با یکدیگر و هر دو با هم منظور کرده و از اصطلاح ربط یا مناسبت و در مواردی نظم استفاده کرده‌اند.

ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ق) در مجمع البیان به این موضوع همت گماشته و بخشی از تفسیر هر سوره را با عنوان نظم، به موضوع ارتباط مضمونی و تناسب آیات و در مواردی تناسب سوره‌ها اختصاص داده است.<sup>۱</sup>

نظم معنایی مورد نظر شیخ طبرسی شامل آیات یک سوره و در مواردی سوره‌ها با یکدیگر، مثل خواتیم سور با فواتح سور بعد، دامنه نه‌چندان وسیعی را از انسجام مضمونی دربر می‌گیرد و بیش از آن که ناظر به انسجام محتوایی کل قرآن باشد ناظر به نظم‌های محدود

۱. بنگرید به: طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۴۱.

درونی و اعجاز بیانی است؛ گرچه نسبت به نظریه اول پیش‌تر است.<sup>۲</sup>

از جمله عالمان که ایده نظم را درباره کل قرآن به کار گرفته فخر رازی است. وی می‌گوید: بیشتر لطافت قرآن در نظم و گزینش آیات نهفته است و از این‌رو زیبایی و ظرافت منطوقی در آیات و نظم ناشی از گزینش ویژه آن‌ها، مفسر را به معانی مقصود راهنمایی می‌کند.<sup>۳</sup> در روش فخر رازی نظم آیات یک سوره با آیه آغازین سوره بعد منظور است. به نظر وی معانی آیات، ترتیب و تناسب و تدریجی و منطوقی آن‌ها بدون اختلاف و کژی و رعایت ترتیب در مظاهر وجود و نشانه‌های حیات و تناسب در اجمال و تفصیل و انطباق با عقل و نیز اخبار غیبی قرآن، معرف نظم دامنه‌دار در صورت و محتوی (باطن) کل قرآن است.<sup>۴</sup>

نیز این رویکرد از سوی کسانی مانند آلوسی (شهاب‌الدین محمود) در تفسیر روح المعانی و نیز زرکشی در البرهان و

۲. بنگرید به: مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۲۱.

۳. الاتقان، ج ۲، ص ۱۱۱؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۳۵.

۴. مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۲۳۲ و ج ۱۷، ص ۹۵، ۹۶، ۱۹۲.

سیوطی در *الاتقان* به گونه‌های کم و بیش مشابه تعقیب و تکمیل گردیده است. تلاش این دسته از شارحان قرآن، معطوف به این هدف است که ترابط محتوایی آیات و سوره‌ها را به دو شکل ترسیم نمایند. نخست با اعتماد به پیوستگی نسبی آیات پایانی یک سوره با آیات آغازین سوره بعد و دوم تناسب محتوی مجموع سوره با تمام سوره دیگر، بدون این که بخواهند چنین نظم ریاضی‌گونه را درباره کل قرآن به صورت شبکه‌ای فراگیر ادعا نمایند.

زرکشی این رویکرد را دانشی مستقل به نام علم‌المناسبه می‌خواند و علت رونیاوردن نوع شارحان قرآن به این علم را طبیعت پیچیده و دشوار آن می‌داند. وی ضمن یادکرد عالمانی که به این مسئله پرداخته‌اند و آوردن نمونه‌هایی از کار آن‌ها، شیوه و نوع کار خود را کامل‌تر دانسته و برای بیان تناسب و انسجام مضمونی آیات و سوره‌ها، نمونه‌ها و قواعدی را ذکر می‌کند.<sup>۱</sup> سیوطی نیز که خود اثر مستقلی درباره

اسرار نزول نوشته به دلیل اشتغال آن بر فن مزبور، تلخیصی جداگانه از آن را به نام *تناسق الدرر فی تناسب السور* تألیف کرده است. به‌علاوه در نوع شصت و دوم *اتقان* این مسئله را مورد بررسی قرار داده است.<sup>۲</sup>

در نظر وی رابطه مضمونی آیات و سوره‌ها در سایه امری اصیل‌تر که قواعد بلاغت و زیبایی‌شناسانه در ادای کلام و ربط احزای کلام‌اند به دست می‌آید. در این جا به برخی نمونه‌هایی که *اتقان* آورده است بسنده می‌کنیم:

۱- وجود جهت جامع میان دو یا چند جمله یا آیه، به‌خصوص در مواردی که میان جملات یک آیه یا میان آیه‌ها یکی از حروف عطف واقع شده باشد؛ مانند: ﴿يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا﴾ (حدید/۴) و مانند: ﴿وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (بقره/۲۴۵). در این موارد عنصر تضاد یا شبه تضاد مثل آسمان و زمین، شب و

۲. او درباره مناسبت فواتح سور و خواتیم آن‌ها، جزوه‌ای به نام *مراصد المطالع فی تناسب المطالع و المقاطع نیز تصنیف کرده است.*

۱. بنگرید به: زرکشی، *البرهان*، ج ۱، ص ۳۵-۵۲.

روز و یمن و یسار و رغبت و رهبت و عذاب و رحمت، وجه جامع میان مفاهیم گوناگون آیات محسوب می‌شود.

۲- در مواردی که حروف عطف وجود ندارد باید ستون متصل کننده معنی که عموماً قرائن معنوی‌اند وجود داشته باشند؛ مثل: الف - آوردن نظیر؛ مانند آیه ﴿کَمَا اخْرَجَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ﴾ (انفال/۵) که ناخشنودی از تقسیم عادلانه غنائم توسط اصحاب به کراهت آن‌ها از آمادگی برای جنگ تنظیر شده است.

ب- مضاده؛ مانند آیه ﴿إِنَّ الدِّينَ كَفَرُوا سِوَاءَ عَلَيْهِمْ﴾ (بقره/۶). کافران با این ویژگی که قرآن برای آن‌ها سودی ندارد با مؤمنان با این ویژگی که قرآن مایه هدایت آنان است در قالب تقابل تضاد قرار گرفته‌اند.

ج - استطراد؛ مانند یادآوری نعمت لباس آدم و حوا از برگ درخت (اعراف/۴۶) که به نعمت لباس و مایه تقوا اشاره نموده، دوباره به مطلب قبلی بازمی‌گردد و این چون به سهولت و با پرسشی غیر محسوس انجام می‌شود زیبایی سخن را دوچندان می‌کند.

## ۲- قالب غرض سوره و تناسب سوره‌ها

برخی مفسران و دانشمندان علوم قرآنی انسجام محتوایی قرآن را با استفاده از الگوی درون‌متنی و در قالب غرض سوره تعقیب کرده‌اند. آنان توضیح می‌دهند که چگونه در هر سوره، یک آیه با آیات قبل و بعد خود و نیز یک سوره با سوره قبل در غرض سوره تناسب و ارتباط دارند، به‌طور مثال، سبب تقدّم سوره اسراء بر سوره کهف و حکمت آغاز یکی با تسبیح و دیگری با تحمید آن است که در قرآن تسبیح بر تحمید مقدم است<sup>۱</sup>.

به علاوه چون سوره اسراء متضمن گزارش معراج پیامبر است و مشرکان آن را تکذیب نمودند و این به تکذیب خداوند می‌انجامد، شایسته است که سوره با تسبیح خداوند آغاز و تصور مشرکان ابطال شود، اما سوره کهف چون در پی سؤال مردم از پیامبر اکرم ﷺ درباره اصحاب کهف و نزول دوباره وحی پس از مدتی تأخیر فرود آمده و نشانه نعمت الهی بر پیامبر و مؤمنان

۱. ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾ \* ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾ و حجر/۹۸، طه/۱۳۰، فرقان/۵۸ و....

است، بجاست که با تحمید آغاز گردد. همین تناسب اقتضا می‌کند که سوره حمد از این روکه فاتحة‌الکتاب و ام‌القرآن است با وصف ربوبیت و مالکیت عام الهی آغاز شود، ولی در سوره‌هایی مانند انعام، کهف، سبأ و فاطر یکی از صفات الهی مانند خالقیت و امثال آن آغازکننده این سوره‌ها باشند.<sup>۱</sup>

رویکرد انسجام محتوایی در قالب غرض سوره در آثار تفسیری متأخران بیشتر به چشم می‌خورد؛ از جمله بیان القرآن اشرف علی تهانوی (م ۱۹۴۳م) و تفسیر القرآن الحکیم (المنار) محمد عبده (م ۱۹۰۵م) و رشید رضا (م ۱۹۳۵م) و فی ظلال القرآن سید قطب (م ۱۹۶۶م) و شیخ محمود شلتوت (م ۱۹۶۳م) در تفسیر الاجزاء العشرة الاولى و علامه طباطبائی (م ۱۴۱۲ق) در تفسیر المیزان و... به این مهم پرداخته‌اند. سید قطب به مضمون اصلی و غرض سوره با اصطلاح ظل و محور می‌پردازد و بخش‌های مختلف سوره را در قالب یک کل هماهنگ به هم پیوند می‌دهد. شاگرد وی دکتر محمود

۱. بنگرید به: الاتقان، ج ۲، ص ۳۵۲.

شحاته نیز این روش را پی گرفته است.<sup>۲</sup> شیخ شلتوت در مقدمه اثر خود می‌نویسد قرآن هیچ‌گاه از موضوع اصلی، یعنی «سرانجام انسان» و مضمون اساسی، یعنی «نیاز انسان به انتخاب راه و رویه درست زندگی که همان تسلیم و انقیاد در برابر ربوبیت مطلق خدا و اطاعت در عمل است» و هدف خود، یعنی «دعوت انسان به پذیرش صراط مستقیم» فاصله نگرفته است. وی اضافه می‌کند که هر کس می‌تواند به فراخور توانایی خود وحدت متن قرآن را درک نماید.<sup>۳</sup> تفسیر نمونه نیز در موارد زیادی چنین داوری کرده است که چون در یک سوره یا بخشی از آن، به‌طور مثال مسئله مبدأ آمده است به ضرورت در بخش دیگر همان سوره یا سوره پس از آن، مطالب مربوط به معاد عنوان شده است، یا در موضوعی که بخشی از یک سوره وظایف و تکالیف عملی مؤمنان را برمی‌شمرد، آن‌ها را نوعاً در پی طرح مستدل دو

۲. کتاب: اهداف کل سوره و مقاصدها فی القرآن الکریم، مصر، ۱۹۷۶، ترجمه دکتر محمدباقر حجتی، تهران، ۱۳۶۹ش.

۳. بنگرید به: شلتوت، تفسیر القرآن الکریم (الاجزاء العشرة الاولى)، ج ۱، ص ۲۵.



مسئله مبدأ و معاد که پایه‌ای‌ترین اعتقاد انسان و پشتوانه نظری آن تکالیف است در جای مناسب خود قرار داده است.<sup>۱</sup> این مطلب همان تناسب لازم برای انتقال از یک سوره به سوره دیگر است که عموماً از آن به عنوان غرض سوره یاد می‌شود. اگر چه عالمانی مانند مرحوم آیه الله معرفت تناسب میان سوره‌ها را به صورت تام نپذیرفته‌اند و آن را مورد نقد قرار می‌دهند.<sup>۲</sup>

علامه طباطبایی در آغاز تفسیر هر سوره و در مواردی پایان تفسیر یک سوره به توضیح غرض اصلی سوره می‌پردازد و به‌خصوص با استفاده از سیاق، مضامین مرتبط و هماهنگ را بازگو می‌کند و مجموع معانی یک سوره را به سه یا چهار موضوع تقسیم می‌کند و رابطه مقدمه و ذی‌المقدمه یا علی و معلولی میان معانی چندگانه و لااقل مراتب چندگانه برای آن‌ها برقرار می‌سازد. وی درباره سوره انعام می‌نویسد: مقصود اساسی سوره بیان

توحید عام پروردگار است و از همین رو بیشتر آیات سوره در چهره احتجاج بر مشترکان نازل شده است. در مرحله بعد سوره شامل اجمالی از تکالیف ایجابی و تحریمی مؤمنان است که لازمه توحید بوده و سرانجام این‌که سیاق سوره دارای نوعی اتصال و ترابط است که مستلزم نزول یک‌باره آن است.<sup>۳</sup>

آن‌گاه در تفسیر آیات پایانی سوره این انتظام معنایی را در قالب پیوند مسائل یادشده به یکی از اساسی‌ترین سنت‌های نظام تکوین که عمل ارادی انسان ﴿و هو الذی جعلکم خلائف الارض﴾ (انعام/۱۶۵) و انتخاب‌گری اوست بازمی‌گوید و آن را مصداق ربوبیت حکیمانه می‌شمرد؛ ربوبیت عامی که در آغاز و پایان سوره تکرار می‌شود و در عبارت ﴿ولا تکسب کلّ نفس الا علیها﴾ (انعام/۱۶۴) آن ربوبیت حکیمانه تقویم می‌شود و بدین وسیله پیوستگی و انتظام یکپارچه سوره را به شکلی متین و شایسته نشان می‌دهد.<sup>۴</sup>

سوره مائده نیز که سوره عقود و

۱. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، مجلدات ۶ و ۸ و ۱۴، اواخر و اوائل سوره‌ها.
۲. معرفت، التمهید، ج ۳، ص ۲۵.

۳. المیزان، ج ۷، ص ۵.  
۴. همان، ج ۷، ص ۳۹۳ به بعد.

پیمان‌ها و مشتمل بر حداکثر انتظار پیامبر از امت خویش است، تمام شرایع و عناصر مکمل دین را دربر گرفته است. از این رو چنان اقتضا کرده است که به لحاظ برتری اسلام بر سایر ادیان که غرض اصلی سوره است، این سوره با لفظ اکمال و اتمام در جایگاه اتمام حجت بر مردمان قرار گیرد و خروج از دین حق به منزله بهانه‌جویی و ارتداد معرفی گردد و بدین ترتیب ملاحظه می‌کنیم که میان سوره‌های مذکور کامل‌ترین نوع ترتیب و انسجام محتوایی حاکم است.<sup>۱</sup>

### ۳- سیاق و ترتیب نزول

گرچه بررسی انسجام محتوایی قرآن از جنبه غرض سوره و تناسب سوره‌ها ارتباط نزدیکی با موضوع سیاق و ترتیب نزول داشته و در مواردی مصادیق یکسان می‌یابند، لیکن موضوع سیاق و به تبع آن، ترتیب نزول، امری فراگیرتر بوده و در نشان دادن ارتباط ارگانیکی آیات و سوره‌های قرآن سهم فزون‌تر و هم سابقه بیشتری دارند.

شارحان قرآن در این که سیاق در کلمات و جمله‌ها و آیه‌ها نیز مقدمه و شرط اساسی فهم درست قرآن است تردید نکرده و به نوعی مدعی اجماع‌اند، لیکن در خصوص سیاق سوره‌ها اختلاف نظر اساسی وجود دارد. جمععی، سوره‌های قرآن را پیوسته دانسته و برای توالی آن‌ها مناسبتی ذکر کرده‌اند و افرادی نیز توقیفی بودن آن را اختیار کرده و ترتیب فعلی قرآن را با نظم قرآن مکتوب در لوح محفوظ مطابق دانسته‌اند؛ گرچه بلاغ آن بر مردم، تدریجی و به مناسبت‌هایی که پیش می‌آمده برخلاف ترتیب اصلی آن انجام گرفته است. از جمله آن‌ها می‌توان از زرکشی، بیهقی، طیبی، بغوی، نحاس و نیشابوری نام برد، ولی از این‌رو که به اجماع مسلمانان، سوره‌ها برخلاف ترتیب نزول، گردآوری گردیده و با ملاحظه این که عموماً، ترتیب کنونی قرآن را اجتهاد صحابه می‌دانند و از سویی دلیل نقلی معتبری بر توقیفیت سوره‌ها وجود ندارد، نمی‌توان به استناد سیاق سوره‌ها معانی و

۱. بنگرید به: همان، سوره‌های یادشده.

۲. بنگرید به: الاتقان، ج ۱، ص ۱۹۲.

وجوه مناسب قابل دفاعی را طرح و پی گیری نمود.

به نظر می رسد گرچه این مطلب که سیاق سوره ها قطعی نیست به طور کلی قابل قبول است، لیکن در مواردی که ارتباط مضمونی روشنی میان سوره ها وجود داشته باشد یا پیوستگی صدوری برخی سوره ها اثبات شود، می توان از سیاق سوره ها برای نشان دادن تلائم و ربط محتوایی قرآن بهره برد. اعتماد عالمانی مانند طبرسی و فخر رازی به اقتران و اتصال محتوایی برخی سوره ها با یکدیگر چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت؛ زیرا اگر سیاق سوره ها به معنای آن باشد که محتوای یک سوره در محتوای سوره قبل و بعد خود تأثیر داشته باشد، این مطلب با سنجش عناصر متن قابل دستیابی است؛ گرچه توسعه آن به همه قرآن پذیرفتنی نیست<sup>۱</sup>.

### سیاق آیات و شرایط آن

۱- یکی از شرایط تحقق سیاق جمله ها و آیات آن است که آن ها با هم

ارتباط موضوعی داشته، برای افاده یک مطلب صادر شده باشند؛ زیرا ملاک قرینه بودن سیاق آن است که جمله های بی ارتباط از گوینده دانا صادر نمی شود. از این رو درباره اکثر سوره های کوچک قرآن و سوره هایی که دفعات مشخص وحی، بخشی از آیات آن را دربرمی گیرد، انتظار آن است که درباره یک موضوع و لوازم آن باشد، اما چه بسا ممکن است جمله ها و آیه های معترضه در دفعه واحد نزول صادر شوند که ارتباط موضوعی با قبل و بعد خود ندارند. از این رو ملاک یادشده اهمیت خود را باز یافته و افاده سیاق را به تناسب موضوعی جملات و آیات مقید می نماید؛ به طور مثال درباره آیه تطهیر (احزاب/۳۳) لحن و نوع بیان جمله ها و ویژگی های الفاظ و تفاوت ضمیرهای به کار رفته در آن ها و نیز روایاتی که از نزول این جمله به تنهایی و جدای از قبل و بعد آن خبر داده یا روایاتی که مصداق آن را اهل بیت معرفی می کنند و نیز آیه ۳ سوره مائده و فراز میانی آن و نیز آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت ﴿لَا تَحْرُكْ﴾ به لسانک لتعجل به ﴿ که حامل دستور ویژه ای به پیامبر اسلام در هنگام نزول قرآن می باشد، در میان

۱. رجعی، روشن تفسیر قرآن، ص ۱۱۰.

آیات مربوط به قیامت نشان می‌دهد که نمی‌توان از ظاهر این آیات دست شست و آن‌ها را بر معنای مرتبط با آیات قبل و بعد حمل نمود،<sup>۱</sup> لیکن باید توجه نمود که این موارد در قرآن فراوان نیستند.

۲- پیوستگی در نزول شرط دیگر تحقق سیاق است. توضیح آن که به استناد روایات و شواهد ناظر به تاریخ‌گذاری قرآن به خوبی آشکار است که بسیاری از سوره‌های قرآن یک‌باره و به صورت دفعی نازل شده‌اند و ترتیب فعلی آن‌ها همان ترتیب نزول است، گرچه در مواردی اندک روایات شأن نزول از آن حکایت دارند که آیاتی از یک سوره پراکنده و برخلاف ترتیب فعلی نازل شده‌اند.

برخی ادعا کرده‌اند که چنین توقیفی در صورتی دلیل وجود سیاق می‌شود که تنها علت یا یکی از علل دستور به چنین خاص ارتباط سیاقی باشد، در حالی که دلیل متقنی بر آن وجود نداشته، و قابل احراز نیست!<sup>۲</sup> اما باید در پاسخ

گفت اولاً پیوستگی نزول و ارتباط صدور آیات سوره‌های قرآن به استناد نظر غالب و توفیر روایات ناظر به توقیفی بودن آیات سوره‌ها، محرز و معلوم است. لذا نمی‌توان استفاده از سیاق را به استناد اندک آیات یک سوره که ترتیب نزولشان معلوم نیست درباره کل قرآن نادیده گرفت. ثانیاً موارد اندکی که آیات در جایگاه اصلی آن قرار نگرفته، چون به دستور ویژه و راهنمایی خاص پیامبر اسلام بوده، پس باید مناسبتی در آن لحاظ شده باشد و در حکمت سیاق همین کافی است.<sup>۳</sup> و ثالثاً اصالت سیاق و نیز تأیید و تشویق رجوع به قرآن کنونی توسط ائمه معصومین به علاوه اصالت ترتیب نزول مؤید سیاق و تناسب معنایی میان آیات سوره‌هاست.

**واژه‌های کلیدی در تفسیر قرآن به قرآن**  
آن‌چنان که خود قرآن تصریح نموده است ﴿لَٰكِن اللّٰهُ يَشْهَدُ بِمَا نَزَّلَ الْيَكِ اَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ﴾ (نساء/۱۶۶) مبدأ این کتاب، علم خداوند است. از این‌رو به دلیل عدم

۱. بنگرید به: الاتقان، ج ۵، ص ۳۷۶ به بعد؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۵۷؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۴۱.  
۲. بنگرید به: روش تفسیر قرآن، ص ۱۰۸.

۳. التمهید، ج ۱، ص ۲۸.

امکان غفلت و نسیان در گوینده قرآن و به استناد حکمت بالغه او، بی تردید برای معنی‌شناسی متناظر مفاهیم قرآن از ارتباط و تلائم بخش‌های مختلف آن می‌توان و باید استفاده نمود و قرآن را به خود قرآن عرضه کرد؛ مثلاً درباره مفهوم ایمان، با استظهار از جمع کاربردهای قرآنی، معانی معینی از یک مفهوم را به دست می‌آوریم. با مقایسه سه آیه ﴿یا ایها الذین آمنوا آمنوا﴾ (نساء/۱۳۶) ﴿زادتهم ایمانا﴾ (انفال/۲) ﴿و لکن لیطمئن قلبی﴾ (بقره/۲۶۰) ذومراتب بودن ایمان را کشف می‌کنیم و از آیه ﴿ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون﴾ (عنکبوت/۲) ملازمت ایمان را با آزمون و از آیه ﴿الا لنعلم من یؤمن بالآخرة ممن هو منها فی شک﴾ (سبأ/۲۱) ناسازگاری ایمان را با شک و از آیه ۸۵ سوره بقره تجزیه‌ناپذیری آن و از آیه ۱۴۹ سوره آل عمران آسیب‌پذیری و امکان زوال آن و برخی آیات دیگر نتایج این جهانی یا اخروی ایمان را به دست می‌آوریم و آن‌ها را در یک منظومه هماهنگ و منسجم برای ترسیم

نوعی حیات برای انسان در نظر می‌گیریم<sup>۱</sup>. قابل ذکر است که بیشتر مفسران قرآن از جمله مرحوم علامه ابن روش را درباره بسیاری از مفاهیم قرآن، مثل مفهوم حق و باطل، خیر و شر، حیات، سبیل، کفر، شرک، آخرت، وجود و انسان به کار بسته‌اند. این باور که چون قرآن قول فصل است (طارق/۱۴) و غیر قابل تردید (بقره/۲ و...) و این که چنین متنی می‌تواند خودش را تفسیر نماید، باور تمامی فرق اسلامی جز اخباریون است و این حقیقت آن‌گونه که در سخن پیامبر اکرم ﷺ و امام علی علیه السلام نمایان است<sup>۲</sup>، ناظر به همین روش است<sup>۳</sup>.

### نقد روایات ضرب القرآن

جمع میان دو گروه از روایاتی که «ضرب القرآن بعضه ببعض» را نکوهش می‌کند با روایات «تصدیق قرآن بعضه ببعض» نشان می‌دهد که مقصود از

۱. حدود هشتصد مورد واژه ایمان و مشتقات آن و حدود پانصد مورد واژه کفر و مشتقات آن در قرآن به کار رفته است.
۲. «کتاب الله... ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳.
۳. بنگرید به: المیزان، ج ۷، ص ۵-۹، ۱۷.

ضرب القرآن به هم ریختن تناسبات مضمونی مقام‌ها و تناظر آیات می‌باشد. شاهد این تحلیل آن است که در بخشی از یک حدیث از پیامبر ﷺ آمده است که فرمود: قرآن برای این که بعضی از آن، بعضی دیگر را تکذیب نماید، نازل نشده است، بلکه کتاب خدا نازل شده است تا بخشی از آن بخش دیگر را تصدیق نماید. به علاوه در برخی روایات از جمله در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

تناسب و روابط معنایی میان اجزای قرآن حکم می‌کند.

بدین سان می‌توان نتیجه گرفت که انسجام محتوایی قرآن از باب سیاق یا ترتیب نزول و تلائم مضامین، تعیین دامنه معنایی از راه کلیدواژه‌ها و ارجاع آیات به یکدیگر، امری شناخته شده و عرف مصطلح میان مفسران قرآن بوده و می‌باشد.

### وجوه و نظایر

نمونه‌ای از مضمون‌های برگرفته از قرائن ناظر به متن و سیاق، مربوط به وجوه و نظایر قرآن است. قرآن‌شناسان از دیرباز معانی مورد نظر قرآن را در پرتو یک نگاه فراگیر جست‌وجو می‌کرده‌اند. این که مفاهیم عام بر معانی و مصادیق خاص مورد نظر قرآن اختصاص می‌یابد از جمله آن‌هاست؛ مانند صلاة، صیام، زکوة، رسول و شریعت، که از آن در علم اصول به حقیقت شرعی یا حقیقت متشرعه یاد می‌کنند و در مواردی برعکس، دامنه برخی اصطلاحات رایج در جزیره العرب توسعه می‌یابد؛ مثل کفر و ایمان و فسق و نفاق که در این موارد الفاظ برای روح

«آنان به منسوخ احتجاج می‌کنند و گمان می‌برند که آن ناسخ است و نیز به متشابه استناد می‌کنند به گمان این که آن محکم است، اول آیه را می‌گیرند و سبب تأویل آن را رها می‌کنند و به آغاز و انجام کلام توجه نمی‌کنند و موارد و مصادر آن را نمی‌شناسند»<sup>۱</sup>.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، سخن امام علیه السلام ضمن آن که ناظر به نکوهش روشی است که مناسبات معنایی را در کلام رعایت نکرده، قطعات کلام را جدای از هم و بریده‌بریده می‌بیند، به

۱. الاتقان، ج ۲، ص ۱۴۹.

۲. المیزان، ج ۳، ص ۸۴ (نقل به مضمون).

جهانبینی منسجم و یگانه آن نشان دهند.

۴- **انسجام محتوایی با کلیدهای همبستگی**  
قرآن کریم کتابی نازل شده یکجا و یکباره از سوی خداوند نیست، بلکه مجموعه‌ای از دسته‌آیاتی است که در مناسبت‌های گوناگون و به تدریج نازل گردیده و پیامبر اسلام آن‌ها را بر مردم قرائت می‌فرمود. بنابراین قرآن نمونه‌ای از گفتار الهی است که شاخص‌های نظام گفتاری در آن رعایت شده است.

**کلیدهای همبستگی آیات قرآن**  
برخلاف کتاب‌ها و آثار بشری که با نظر به توقع خوانندگان خاص، دارای مقدمه، فصل‌ها و بخش‌ها و خاتمه است، شیوه مناسب در کتاب آسمانی می‌باید با هدف بعثت پیامبر سازگار باشد. منطقی نیست که پیامبر برای نجات انسان‌های جاهل و غرق شده در هوس‌ها و اوهام، از روش‌ها و گونه‌های مختلف شناخت و صحت و سقم مبانی فلسفی مکاتب و ناسازگاری اندیشه‌های انحرافی با معیارهای دانش منطقی سخن بگوید، بلکه درست‌تر آن است که قرآن در هدایت

معنی وضع و تنزیل گردید. در کنار آن بر پاره‌ای از واژه‌ها معنای جدیدی که از سیاق قرآن به دست می‌آید داده شد؛ مثل تمایز میان مفهوم‌های دوگانه و متقارن عذاب و عقاب، اجر و ثواب، غیث و مطر و ریح و ریح و فوز و فلاح، به این معنی که در این موارد هر یک را به جای دیگری نمی‌توان به کار برد. وجوه القرآن مقاتل ابن سلیمان (م ۱۵۰ق) و معترك الاقران فی متشابهة القرآن سیوطی (م ۹۱۱ق) و نیز حقائق التأویل فی متشابهة التنزیل سیدرضی (م ۴۰۶ق) از جمله آثار متقدمان است که به این مهم پرداخته‌اند. سعی عالمان قرآن بر آن بوده تا در پرتو وجوه و نظایر قرآن اصطلاحات فراوان و متعدد قرآن را مانند آنچه ذکر شد، ضمن مقایسه موارد کاربرد هر یک، آن‌ها را در جدولی ریاضی‌گونه تحلیل نموده و تغییر و توسعه و تحدید معانی لغات را برای دستیابی به عرف ویژه قرآن و

۱. بنگرید به: الاتقان، ج ۱، ص ۴۸۷.

۲. واژه‌هایی مانند هدایت، ضلالت، سوء، فتنه، روح، قلب، فقه، قضا و قدر، وحی، قرآن، بشر، انسان، صراط، دنیا، آخرت و برخی صفات الهی مانند حی و ملک و ربوبیت نیز از آن جمله‌اند.

مردمان، از اصل لسان قوم که آمیزه‌ای از صور مختلف بیانی است - که ذکر آن‌ها گذشت - و با تکیه بر نیازها و ضعف‌ها و ظرفیت‌های مخاطبان به تعقیب هدف خود پردازد. از این نظر هر دسته از آیات قرآن به منزله معنی و موقعیتی هستند که در درجات طولی به واقعیتی ژرف و معنایی پنهان یعنی همان فرقان - که اسم دوم قرآن هم هست - منتهی می‌شوند. از این‌رو گوناگونی معانی مجموعه‌ای کوچک از قرآن، لازمه جامعیت و شرط ضروری درمان‌بخشی و نشانه اعجاز آن است و لذا شایسته است منتقدان قرآن، هدف اساسی قرآن و اسلوب مناسب برای دستیابی به آن را منصفانه مورد تأمل قرار دهند.<sup>۱</sup> موارد زیر نمونه‌هایی از کلیدهای همبستگی معنایی آیات قرآن را نشان می‌دهد:

۱- ارتباط ارکان معرفتی قرآن با واژه‌های اصلی؛ برای این که ارتباط دسته‌های متعدد آیات هر سوره را به دست آوریم، ابتدا باید موضوعات اساسی را از هر دسته آیات یک سوره

۱. التمهید، ج ۳، ص ۳۲۷.

استخراج نماییم. سپس نسبت آن موضوعات کلیدی را کنار هم قرار دهیم و با کمک واژه‌های راهنما که در هر دسته آیات قرار دارند، بار معنایی همه آیات را در یک مجموعه نشان دهیم. این روش شناخته شده در میان مفسران قرآن از جمله علامه طباطبایی است. برای این منظور مراجعه به آثار موجود در این زمینه راهگشاست.<sup>۲</sup>

۲- قرار دادن اصطلاح کلیدی به‌عنوان پایه نظام معرفتی؛ به این معنی که مفاهیم موجود در عبارات قرآن، ضمن آن که هر یک بخشی از ساختار معرفتی اسلام را معرفی می‌کند، به‌علاوه همانند یک جدول ریاضی نسبت و رابطه‌ای هم با دیگر جزا و عناصر پایه و بنیادین آن نظام می‌یابد و از این رهگذر همه آیات گروه‌های به ظاهر متفاوت، به کمک کلیدهای راهنما که نقش اصلی را در عنصر بنیادین نظام فکری اسلام ایفا می‌کنند، به هم پیوند خورده، به وحدت

۲. مانند درآمندی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن، ترجمه دکتر سید محمدباقر حجتی و النظم الفنی فی القرآن دکتر عبدالله متعال الصعیدی و نظم قرآن عبدالعلی بازرگان و تفسیر توضیحی ابوالقاسم پاینده.



می‌رسند<sup>۱</sup>. واژه‌های الله و برخی صفات خداوند، مانند علم، ربوبیت، حکمت، خالقیت، توحید و نیز واژه انسان و متعلقات آن، مثل روح، نفس و قلب و نیز اصطلاح ایمان، هدایت، آخرت و میثاق از جمله واژه‌های قرآن‌اند که کلید همبستگی و انسجام معانی گوناگون قرآن می‌باشند.

به‌طور مثال واژه معروف بر وزن مفعول که به معنای رفتار شناخته شده و مورد تأیید عقل و شرع است<sup>۲</sup>، در سوره‌های بقره پانزده بار و نساء شش بار و آل عمران و توبه و طلاق هر یک سه بار و احزاب و لقمان هر یک دو بار و اعراف و حج و محمد و ممتحنه هر یک یک بار آمده است. گرچه واژه معروف در همه این موارد در قالب مسئله‌ها و موضوعات کم و بیش گوناگون به کار رفته است، اما در عین حال نقطه وحدتی وجود دارد که عبارت است از روابط افراد با هم و به‌خصوص بیشتر آن‌ها ناظر به مسئله روابط زن و شوهر و زمینه‌های اختلاف و نزاع آن‌دوست. در چنین

فضایی، رفتاری که همراه با اقتصاد و میانه‌روی بوده و مورد تأیید عقلا و شرع باشد، از ویژگی نیک بودن (معروف) زیبا بودن، زمینه حداکثر خیر و فایده را برای خود و دیگران فراهم می‌آورد. از این‌رو هم در وظیفه اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر (۱۱۴ آل عمران) و هم در پیوند ازدواج و معاشرت با همسر (۱۹ نساء) و در نقطه مقابل آن طلاق (۲۲۹ بقره و ۲ طلاق) یا در ادای مسئولیت مالی و نفقه (۲۳۳ بقره) و نیز در وصیت (۱۷۸ بقره) و در رفتار با والدین (۱۵ لقمان) هم‌چنان که در امر تبلیغ و مقابله با جاهلان (۱۹۹ اعراف) یا قناعت و زندگی فقیرانه (۶ نساء) و نیز در گفتار و ادای سخن (۲۱ محمد) و سخن گفتن زنان (۳۲ احزاب)، واژه کلیدی یاد شده نقش ایجاد وحدت و انسجام آیات متعدد سوره‌های قرآن را برعهده می‌گیرد.

۳- ارجاع متشابهات به محکومات: از جمله راه‌های دستیابی به انسجام سازگاری محتوایی قرآن، برگرداندن مفاهیم متشابه متن به آیات محکم است. قرآن خود در آیه ۷ سوره آل عمران این اصل را به مثابه روشی مبنایی معرفی

۱. مستشرقان و قرآن، ص ۳۳۳.

۲. راغب اصفهانی، المفردات، مادة «عرف».

می‌کند و از نابسامانی در فهم قرآن که در زمینه اهمال این اصل پدید می‌آید هشدار می‌دهد. در آمیختن متشابه و محکم به هر نیت و شکل و قالب که باشد، با نظر به پیامد آن که تزلزل در وحدت و پیوستگی کل کتاب و شک در هماهنگی آن با مبدأ غیبی آن است، متعلق تحذیر آیه مبارکه است و از این نظر، رفتار مستشرقان با قرآن نمونه آشکار آن است. مستشرقان ادعای تناقض مضامین قرآن را نیز با استناد به موارد نوعاً متشابه دنبال می‌کنند. تأمل در مثال‌های مورد استشهاد آنان این استناد را آشکار می‌سازد<sup>۱</sup>.

**اول- انتظار می‌رود مستشرقان همان‌گونه که در مواجهه با عهدین به عنوان دو کتاب مقدس رفتار می‌کنند و برخی معانی ظاهری آن‌ها را به معانی باطنی تأویل می‌برند یا معانی دوگانه و دوپهلوی را به معانی ارجح و روشن تحویل می‌برند، به گونه‌ای که الهیات مسیحی تحلیل و تأویل مفاهیم دینی عهدین را وظیفه خود می‌داند و هم‌چنان که دیگر قواعد فهم متن را که کم و بیش**

میان رویکردهای مختلف تفسیر متن شایع و مشترک‌اند به کار می‌گیرند، درباره قرآن هم به چنین رویه‌ای روی آورده، رفتار یکسانی از خود نشان دهند. آنان به خوبی می‌دانند که از این نظر هیچ تفاوتی میان کتب مقدس نیست و حتی این شیوه درباره کتاب‌های مقدس آیین‌های غیر ابراهیمی به کار گرفته می‌شود<sup>۲</sup>.

**دوم- بی‌تردید تنصیص آیه یادشده (آیه ۷ سوره آل عمران) بر اصل مزبور در کنار دیگر شرایط فهم متن برای آن است که از جنبه سلبی با وجود معیار معین، راه سوء استفاده از آیات متشابه بسته شود و از جنبه اثباتی با ارجاع معانی متشابه به محکم، سازگاری، وحدت و انسجام مفهوم‌ها و مدلول‌های کتاب در عین کثرت‌های فرعی و عرضی آن به کرسی نشانده شود. به‌علاوه با به کار بستن قواعد فهم متن مثل اطلاق و تقید و اجمال و تبیین و عام و خاص آیات و سیاق، بطون معنایی، شرایط، شأن و ترتیب نزول و ده‌ها قاعده دیگر،**

۱. شبهات و ردود حول القرآن الکریم، ص ۳۱۱ به بعد؛ مستشرقان و قرآن، ص ۳۱۰ به بعد.

۲. بنگرید به: پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی.

بسیاری از انسجام‌نیافتگی‌های ظاهری از چهره متن رخت برمی‌بندد و قرآن همانند آفتابی که نقاب از رخ می‌کشد<sup>۱</sup> حقیقت واحد و لایزال خود را بر حاملانش می‌نمایاند.

## ۵- انسجام مضمونی با رهیافت وحدت سوره‌ها، عمود سوره، گروه سوره‌ها

رهیافت دیگری که ایده انسجام مضمونی کل قرآن را در سطحی عمیق‌تر دنبال کرده است مربوط به چند تن از دانشمندان متأخر است. فراهی (عبدالحمید، م ۱۹۳۰م) و اصلاحی (امین احسن، م ۱۹۹۷م) شاگرد فراهی از شبه‌قاره هند با عرضه طرحی درباره وحدت قرآن، اصطلاح تناسب و حتی نظم را ناکافی دانسته و پیشنهاد کاربرد این دو اصطلاح را درباره قرآن موجب گسستگی معانی قرآن و فراموش شدن تناسب کل سوره‌ها و فقط برای نشان دادن رابطه اجزا با یکدیگر ارزیابی نموده‌اند. در این مسئله سید قطب و دانشمند دیگر مصری سعید حوی نیز با آنان هم‌داستان بود، و در تفسیر خود به

نام *الاساس فی التفسیر*، تمام قرآن را به گروه سوره‌ها و تمام سوره‌ها را به گروه آیه‌ها تقسیم کرده و انسجام مضمونی قرآن را دنبال نموده است؛ به‌طور مثال وی کل قرآن را در چهار گروه سوره که معانی هر یک ناظر به دیگری و تفصیل‌دهنده آن‌هاست، دانسته و درباره سوره‌ها نیز چنین رویه‌ای را برگزیده است؛ به عنوان نمونه، درباره سوره آل عمران می‌گوید: «فیقول: ان سورة آل عمران تنقسم الی خمسة اقسام، واضحة المعالم...»؛ به اعتقاد ما سوره آل عمران به پنج گروه آیات تقسیم می‌شود.

گروه اول از آیه ۱ تا ۳۲ و گروه دوم از آیه ۳۳ تا ۶۳ و گروه سوم از ۶۴ تا ۹۹ و گروه چهارم از ۱۰۰ تا ۱۴۸ و گروه پنجم از ۱۴۹ تا آخر سوره را دربرمی‌گیرد.<sup>۲</sup>

وی پس از تفسیر سوره با آوردن نمونه‌هایی سوره آل عمران را تفصیل‌دهنده مفاهیم سوره بقره می‌داند.<sup>۳</sup> به نظر آن‌ها علاوه بر ترتیب و حسن تناسب آیات و سوره‌های قرآن، عنصری فراتر وجود دارد که عامل وحدت‌بخش

۱. مولوی، مثنوی، ص ۴۶۳.

۲. حوی، *الاساس فی التفسیر*، ج ۲، ص ۶۹۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۹۷۳.

کلّ سوره‌ها و نیز کلّ قرآن است و از این نظر کلّ قرآن کلامی واحد می‌شود که از سه عنصر وحدت، ترتیب و تناسب برخوردار است. عامل وحدت به هر سوره قرآن کلیت و تمامیت می‌دهد و رابطه هر سوره را با قبل و بعد آن روشن می‌سازد و عامل مزبور نه فقط برای آشکار ساختن ظرایف بیان و دقایق اندیشه قرآن که کلید فهم پیام و معنای کامل قرآن است. برای اثبات این منظور دلایل زیر عرضه شده است:

۱. تقسیم‌بندی محتوای قرآن به سوره‌ها حاکی از آن است که هر سوره مضمونی متمایز دارد و گرنه باید کلّ قرآن یک سوره باشد.

۲. اندازه نابرابر سوره‌ها دلالت دارد که ملاحظات وجود داشته تا سوره‌ها در اندازه‌های خاص قرار گیرند که با نظم قابل توجیه است.

۳. واژه سوره به معنای دیوار و حصار شهر است و درون یک حصار تنها یک شهر و یک مجموعه مضامین متحد و مرتبط قرار می‌گیرد. در قرآن حتی سوره‌هایی که مضامین مشابه دارند، به دلیل فقدان پیوند جامع با هم ترکیب نشده‌اند.

۴. تحدی قرآن به سوره مؤید آن

است که یک سوره، کلامی منسجم هم از نظر ساختاری و هم از حیث محتواست. ۵. در سوره‌های طولانی قرآن واحدهای دارای نظم آشکار با توجه به عمود سوره به ما کمک می‌کند تا در واحدهای دیگر سوره بتوانیم انسجام معنایی آن‌ها را درک کنیم.

### عمود سوره

مورد یاد شده نشان می‌دهد که هر سوره قرآن یک مضمون اصلی به نام عمود دارد که محور سوره و جامع مضامین کلام است. عمود از امور کلی بوده، محدود به زمان و مکان نیست و به سوره هویت می‌بخشد. عمود پنج مشخصه اصلی دارد که عبارت‌اند از: مرکزیت، عینیت، تمایز، عمومیت و اعتبار؛ به‌طور مثال فراهی سوره ذاریات را به هفت بخش تقسیم کرده و فرایند دستیابی به عمود را نشان داده است. آیات ۱ تا ۱۴ پدیده‌های طبیعی را به عنوان نموده‌های رحمت یا غضب الهی که حاکی از مجازات و کیفر اخروی‌اند بیان نموده‌اند. از آیات ۱۵ تا ۱۹ جنبه ثواب اعمال و ۲۰ تا

۱. اصلاحی، تدبیر، ص ۱۸۳.

۲۳ همین موضوع با عرضه شواهدی از آیات آفاق و انفس مورد تأکید قرار گرفته و در آیات ۲۴ تا ۳۷ و ۳۸ تا ۴۶ شواهد تاریخی مسئله ارائه شده و در بخش ششم (آیات ۴۷ تا ۵۱) معاد را به دو اصل توحید و نبوت پیوند داده و در بخش آخر (آیات ۵۲ تا ۶۰) هشدار داده که مسئولیت گمراهی مخالفان به خود آن‌ها برمی‌گردد و بنابراین عمود سوره، جزا در قیامت است، که با همه سوره مرتبط بوده و همه بخش‌های آن را به هم پیوند می‌دهد و افکار و ایده‌ها به صورت منطقی بسط می‌یابد. معنای متمرکز بر عمود در ابتدا طرح شده و سپس تشریح شده و آن‌گاه با شواهد مختلف تقویت شده و بعد در چشم‌اندازی وسیع‌تر قرار گرفته و در نهایت به شرایطی که پیامبر در آن واقع شده و مرتبط با مسئولیت او بوده پیوند خورده است، ضمن آن که محتوا و آهنگ سوره در قیاس با پاداش و ثواب اخروی بر جنبه مجازات و عقوبت تأکید بیشتری دارد.

سوره‌های مکی بیشتر بر مدل تفسیری مذکور قابل تطبیق‌اند، اما تقسیم سوره‌های مدنی به بخش‌های جداگانه و ایجاد ارتباط منطقی میان این بخش‌ها و نیز تقسیم هر بخش به فصول جزئی‌تر و نمایش رابطه هر

فصل با فصول دیگر، کار قابل توجه‌تر در این رویکرد است؛ به‌طور نمونه، اصلاحی سوره نساء را به سه بخش و هر بخش را به چندین فصل تقسیم کرده است. بخش نخست آیات ۱ تا ۴۳ است که با زمینه‌سازی فکری به پاره‌ای از اصلاحات اجتماعی اسلام در جزیره‌العرب اشاره دارد. بخش دوم (آیات ۴۴ تا ۱۲۶) نحوه عمل مخالفان، مانند یهود و منافقان در مقابل آن اصلاحات را بازگو می‌کند و در بخش سوم، یعنی آیات ۱۲۷ تا ۱۷۶ با ارائه پاسخ به سؤال‌های مربوط به بخش اول، آن‌ها را تقویت نموده، بازسازی می‌کند و با انداز مخالفان، پیامبر را مورد تفقد قرار می‌دهد. از این‌رو عمود سوره، بنیان‌های جامعه واحد دینی است.<sup>۱</sup> در این فرض هر بخش نیز در درون خود از انسجام ویژه‌ای برخوردار است؛ مثل صله رحم، رفتار زن و شوهر با همدیگر که همگی به زیربنای جامعه واحد اسلامی مربوط می‌شوند، به‌خصوص در بخش دوم، عواملی مانند همبستگی مسلمانان در مقابل عناصر مخالف و منافق پایه‌های جامعه واحد دینی را محکم‌تر می‌سازد. در این روش، آیات متناظر، مثل

۱. تفسیر، ج ۲، ص ۹ و ۱۰.

آیه ۴۲ (طمع ورزی) و ۱۵ و ۱۸ (شهو ترانی) برای ترسیم دامنه معنایی عمود سوره به کمک گرفته شده اند، هم چنان که تضادها مثل تضاد روی گردانی یهود از شریعت با تعهد مسلمانان به آن به درستی کنار هم چیده شده اند، به خصوص آن که مفاهیم مربوط به نظام خانواده و طیفی از پایه های اخلاق فردی و جمعی تصویر و ترسیم شده است و با این شیوه کاوش در آیات قرآن، بسیاری موارد که شارحان قرآن گمان عدم انسجام و گسستگی داشته اند، وحدت مضمونی و ساختاری قرآن به دست می آید!

### مفهوم جفت سوره ها

به اعتقاد اصلاحی در یک سطح هر سوره یک کل منسجم و پیوسته وجود دارد که از دیگر سوره ها متمایز است، ولی در سطحی بالاتر، قرآن متشکل از جفت سوره ها است که تفاوت آن ها در اختصار و تفصیل یا قاعده و مثال و یا گونه های مختلف استدلال یا تفاوت در تأکید یا مقدمه و نتیجه یا دو جنبه متضاد می باشد. در این طرح، سوره فاتحه مقدمه

قرآن و بعضی از سوره ها مثل نساء و مائده، انفال و توبه، ابراهیم و حجر، ملحق به جفت سوره هایند و بعضی از سوره ها مکمل سوره های دیگر معرفی می شوند، مثل سوره نور که مکمل مؤمنون و حجرات که تکمله فتح و احزاب که تکمله یک گروه سوره هاست. بعضی سوره ها هم به حال خود رها شده اند.

در طرح جفت سوره ها ۸۲ سوره قرآن، مثل سوره های بقره با آل عمران، انعام با اعراف، یونس با هود، یوسف با زعد تا فلق با ناس جفت سوره تلقی می شوند. این که پیامبر در نماز جفت سوره هایی مانند صف و جمعه، یا قیامت و انسان، یا اعلی و غاشیه را قرائت می نمودند، مؤیدی برای این نظریه می باشد. بنابراین قاعده جفت بودن سوره ها با ارائه زمینه هایی از همبستگی ساختاری و مضمونی میان سوره ها، قرآن را کتابی منسجم معرفی می کند.

### گروه سوره ها

در این رهیافت نه تنها سوره های قرآن جفت هستند که در قالب گروه های

۱. تائیر، ج ۷، ص ۹۷؛ الاساس فی التفسیر، ج ۳، ص ۱۵۲۱.

۲. تائیر، ج ۷، ص ۹۷، و ج ۸، ص ۳۸.

بزرگتری نیز با هم ترکیب می‌شوند. گروه یک حمد تا مائده و گروه دوم انعام تا توبه و گروه سوم یونس تا نور و گروه چهارم فرقان تا احزاب و گروه پنجم سبأ تا حجرات و گروه ششم ق تا تحریم و گروه هفت ملک تا ناس. هر گروه همانند تک‌تک سوره‌ها یک عمود یا مضمون متمایز دارد و البته هر گروه مشتمل بر مضمون‌هایی از گروه‌های دیگر نیز هست، ولی این مضمون‌ها نسبت به عمود گروه، فرعی محسوب می‌شوند. نقش هر سوره در هر گروه ارائه یک جنبه مشخص از آن عمود است. به علاوه که عمود روند منطقی جایگیری سوره را در گروه نیز وصف می‌کند.

### تحلیل طرح گروه سوره‌ها:

اولاً در این تقسیم‌بندی سوره‌های مکی و مدنی متداخل بوده، در همه گروه‌ها قرار دارند؛ گرچه سوره‌های مکی مقدم‌اند.

ثانیاً در این نظریه مجموعه سوره‌ها در هر گروه با هم رابطه مکمل دارند و معلوم نیست که عناصر مکمل بر محور عمود قرار گرفته باشند.

ثالثاً طبق فرض، سوره‌های مدنی هر گروه حاوی منطق عملی از مفاهیم نظری هستند که در سوره‌های مکی طرح شده‌اند.

رابعاً جای گرفتن سوره‌های مکی پیش از مدنی به منزله ریشه نسبت به شاخه‌اند، اما در نهایت هر یک از گروه‌های هفت‌گانه (یا نُه‌گانه بنا به یک نظر)، مرحله‌ای از نهضت و جنبش اسلامی پیامبر را نشان می‌دهد و گزارش می‌کند.

اما نکته قابل تأمل آن است که طرح گروه‌سوره‌ها از ترکیب کنونی قرآن چنین استنباطی را به عمل می‌آورد و معنای این نگاه به قرآن آن است که احتمال بدسیم جمع‌کنندگان قرآن در صدر اسلام به انسجام مضمونی قرآن در قالب جفت‌سوره‌ها یا گروه‌سوره‌ها توجه داشته‌اند و با چنین منطقی قرآن را به نظم درآورده‌اند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. انسجام مضمونی قرآن با رهیافت‌های متعددی که در مقاله حاضر از آن گفت‌وگو شد مبتنی بر مطالعه خود قرآن و تدبر در متن آن و کاهش وابستگی به اسباب‌النزول است.

۲. نظریه وحدت مضمونی علاوه بر آن، کل‌نگرانه است و بر چهارچوب سیاقی آیات و سوره‌ها استوار است.

۳. کاربرد روشمند اصل نظم و تناسب یا وحدت سوره‌ها و... می‌تواند به

بازنگری نسبی در نظریه تفسیری بینجامد و به عنوان ابزاری غیرقابل جایگزین در فهم قرآن به کار گرفته شود.

۴. رهیافت انسجام مضمونی قرآن با حد نصاب‌هایی که در ضمن مقاله ارائه شد، نادرستی نظریه آشفتگی محتوایی و ناسازگاری قرآن در تلقی برخی مستشرقان را آشکار می‌سازد.

۵. نظریه انسجام مضمونی از جهاتی مختلف مانند زیبایی‌شناختی قرآن و هماهنگی با روح تحلیل ادبی معاصر قابل توجه‌اند، لیکن باید دقت نمود که برخی از این نظریه‌ها در این رهیافت، در حد یک فرضیه بوده و در مواردی با تهافت و احتمال تحمیل بر قرآن رویه‌روست و از این‌رو نیازمند ارائه نشانه‌ها و شواهد قوی‌تری است.

آن‌گونه که غرض رویکرد انسجام مضمونی قرآن است، آیات و سوره‌های قرآن دارای مضامینی هستند که به ترتیب اهمیت در جدولی ریاضی‌گونه چیده شده و مترتب بر همدیگرند، تا از این رهگذر مسئله کانونی قرآن که هدایتگری آن است از مراتب نازل‌تر و به تدریج و با پیوند به عمل انسان مؤمن و لوازم گسترده آن به مراتب عالی صعود یافته، از ساحت شریعت به ساحت باطنی

اسلام و رحمت منظوری در درجه اعلی آن، یعنی انسان کامل سیر نماید.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسکندر لو، محمدجواد، *مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن*، قم، نشر پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ش.
۳. بازرگان، مهدی، *سیر تحول قرآن*، چاپ چهارم: تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰ش.
۴. بازرگان، عبدالعلی، *نظم قرآن*، تهران، نشر قلم، ۱۳۷۵ش.
۵. بلاشر، رژی، *در آستانه قرآن*، ترجمه دکتر محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ش.
۶. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، *میشاق در قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۷. پترسون و دیگران، *عقل و اعتقاد دینی*،
۸. حجینی، سید محمدباقر، *اسباب النزول*، چاپ یازدهم: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۹. خامه‌گر، محمد، *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.
۱۰. خوبی، ابوالقاسم، *البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۸ق.
۱۱. دروزه، عزه، *التفسیر الحدیث*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۹م.
۱۲. رزی، فخرالدین، *التفسیر الکبیر* (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۵ق.



۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، چاپ دوم: تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
۱۵. رجبی، محمود، *روش تفسیر قرآن*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. رشید رضا، محمد (و محمد عبده)، *المنار فی تفسیر القرآن الحکیم*، مصر، بی تا و بی جا.
۱۷. زرکشی، بدرالدین محمد، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۴۰۸ ق (افست مصر).
۱۸. زمانی، محمدحسن، *مستشرقان و قرآن*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۱۹. سعید، حوی، *الاساس فی التفسیر*، چاپ دوم: مصر، دارالسلام للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. سعیدی روشن، محمداقبر، *تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۲۱. سیوطی، جلال‌الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۲۲. شحاته، محمد عبدالله، *درآمدی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن*، ترجمه سید محمداقبر حجتی، تهران، دفتر
- نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۲۳. شلتوت، محمود، *تفسیر القرآن الکریم* (الاجزاء العشرة الاولى)، مصر، نشر مکتبه القا، ۱۳۷۹ ق.
۲۴. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم: بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ ق.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.
۲۶. قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
۲۷. متعال الصعیدی، عبدالله، *النظم الفنی فی القرآن*، قاهره، نشر مکتبه الآداب، بی تا.
۲۸. مستنصر میر، *انسجام در قرآن* (مجموعه)، مجله پژوهش‌های قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۴۹، ۵۰.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، *قرآن‌شناسی*، تحقیق محمود رجبی، چاپ چهارم: قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵ ش.
۳۰. معرفت، محمدهادی، *شبهات و ردود حول القرآن الکریم*، چاپ دوم: مؤسسه التمهد، ۲۰۰۲ م.
۳۱. مولوی، مثنوی معنوی.
۳۲. نصر، سید حسین، *آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام*، ترجمه ان‌شاءالله رحمتی، تهران، نشر جامی، ۱۳۸۲ ش.